

نقش قناعت در پیشگیری از جرایم اقتصادی با تأکید بر ادله نقلی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

غلامرضا عالیخانی^۱

کارشناس ارشد فقه و حقوق جزا

زکيه عالیخانی

دانشجوی کارشناسی مشاوره دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

مسئله پیشگیری از مهم‌ترین راه‌کارهای مقابله با انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی از جمله وقوع جرم و رفتارهای بزهکارانه است. جرایم اقتصادی یکی از انواع آسیب‌های اجتماعی بوده که به سبب مختل نمودن نظام و امنیت اقتصادی کشور باید تحت عنوان مفسد اقتصادی از آن یاد نمود. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی، و با بهره‌گیری از آیات و روایات، نقش و جایگاه قناعت را به‌عنوان یکی از فضایل اخلاقی در پیشگیری از ارتکاب جرایم و بزهکاری‌های اقتصادی بررسی می‌نماید. پژوهش پیش رو پس از بررسی اجمالی برخی مصادیق جرایم اقتصادی، خصوصیات و پیامدهای آن و علت یابی این جرایم و بیان پیامدهای حرص مذموم، به این نتیجه رسیده که بسیاری از جرایم و بزهکاری‌های اقتصادی نظیر احتکار، اختلاس، کلاهبرداری، رشوه، ربا، پولشویی و... ریشه در ردیله اخلاقی حرص دارد و قناعت‌ورزی، روش و راهکاری عملی جهت پیشگیری و مقابله با ارتکاب این نوع جرایم است و در صورت رعایت آن، نتایج مطلوبی خواهد داشت؛ برخی از آثار قناعت‌ورزی که در پیشگیری از جرایم اقتصادی مهم است، عبارتند از: آرامش روانی، احساس بی‌نیازی، رضایت‌مندی، سلامتی دین، عزت نفس و سربلندی، رفاه اقتصادی، بازدارندگی، زهد، هدایت و رستگاری که هم در بعد فردی و هم در سلامت و امنیت اقتصادی نقش مهمی دارد.

واژگان کلیدی: قناعت، حرص، جرم اقتصادی، پیشگیری، رفاه اقتصادی

مقدمه

آموزه‌های پیشگیرانه‌ی منابع اسلامی و به‌ویژه قرآن کریم، رذایل اخلاقی را از منابع اصلی تهدید سلامت فردی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دانسته است. (ساطوریان، ۱۳۹۵: ۵۵) آموزه‌هایی که دارای سه بعد اصلاحی، وضعی و کیفری بوده که از این میان، قرآن کریم بر پیشگیری اصلاحی و بازسازی شخصیت مجرمین تأکید خاصی دارد.^۱ (معصومی‌نیا، یارمحمدیان، ۱۳۹۳: ۱۰۷) در اصطلاح دینی، مسئله پیشگیری را می‌توان معادل واژه‌های ورع و تقوی دانست. ورع، به‌معنای خودداری از ارتکاب محظورات اخلاقی و تقوی علاوه بر اجتناب از محرّمات، پرهیز از ارتکاب شبهات را نیز دربر می‌گیرد. قناعت‌ورزی و دوری از حرص و طمع، از مصادیق ورع و تقوی و نیز راهکاری جامع و فراگیر بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات اسلامی است که بر پایه خودکنترلی^۲، جنبه‌ی پیشگیرانه و درمانی دارد. (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸) چنان‌که تحقیقات به‌عمل آمده حاکی از آن است «افرادی که خود کنترلی پایین‌تری دارند، سعی در ارضای فوری امیال خود داشته و نیز از ارتکاب اعمال بزهکارانه ابایی ندارند».

رذیله‌ی اخلاقی حرص مذموم نیز به‌عنوان نقطه مقابل قناعت، (نراقی، ۱۴۰۸ق: ۲۱) یکی از مهم‌ترین عواملی است که نقش پررنگی در وقوع آسیب‌های اجتماعی از جمله جرایم اقتصادی دارد. صفتی که از نخستین رذیلت‌های اخلاقی بوده که در داستان انبیاء و از آغاز خلقت انسان نیز به چشم می‌خورد. (ساطوریان، همان: ۵۷) حرص را باید سرچشمه‌ی تمام گناهان از سوی انسان دانست. رذیله‌ای که عامل بیرون راندن حضرت آدم (علیه السلام) از بهشت شد. همچنان‌که امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«فَأَمَّا الْحِرْصُ فَإِنَّ أَدَمَ عَ حِينَ نَهَىٰ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْحِرْصُ عَلَىٰ أَنْ أَكَلَ مِنْهَا وَ أَمَّا الْإِسْتِكْبَارُ فَإِبْلِيسُ حَيْثُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ فَأَبَىٰ وَ أَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا أَدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۳: ۳۹۶): اما حرص (در آنجا ظاهر شد که) آدم هنگامی که نهی از آن درخت مخصوص شد، حرص او را وادار کرد که از آن بخورد (و از بهشت بیرون

۱. مطلبی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به آن اشاره نموده و پیش‌گیری و پرهیز را اصل هر دارو و دوا معرفی می‌نماید: «الحمية رأس كل دواء». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۸: ۲۹۱)

برده شد) و اما تکبر (آنگاه ظاهر شد که) ابلیس هنگامی که مأمور به سجود برای آدم شد تکبر ورزید (و از سجده خودداری کرد و برای همیشه ملعون و مطرود درگاه الهی شد) و اما حسد (آنگاه ظاهر شد که) دو پسر آدم (هابیل و قابیل) یکی بر دیگری حسد برد و او را به قتل رسانید».

در حدیثی دیگر از امام سجاد (علیه السلام) منقول است:

«فَأُولَ مَا عَصَى اللَّهُ بِهِ الْكِبْرَ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ، وَ الْحِرْصَ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوا حِينَ قَالَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) لَهُمَا... وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ؛ (البقره، ۳۵؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۴۰۰): اولین سرچشمه گناه و معصیت پروردگار، تکبر است که گناه ابلیس بود و به خاطر آن، از انجام فرمان خدا امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد. و سپس حرص بود که سرچشمه‌ی گناه [به معنای ترک اولی] از ناحیه آدم و حوا شد. آنگاه که خداوند به آنها گفت: نزدیک این درخت نشوید که از ستم کاران خواهید بود».

در میان بزهکاری‌های اجتماعی، جرایم اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل مختل‌کننده امنیت اقتصادی و برهم زنده آسایش عمومی جامعه بوده که ظهور آن را باید با آغاز پیدایش مفهوم مالکیت، قرین دانست. این نوع جرایم، ماهیتی پیچیده و متفاوت با دیگر جرایم داشته و مضرات آن به مراتب نسبت به سایر جرایم بالاتر بوده و نیز از آمار بیشتری برخوردار است. مرتکبین آن معمولاً کلاه‌برداری، باتجربه و برخوردار از ثروت و نفوذ (مجرمین یقه سفید) (حاجیان، ۱۳۸۴: ۴۹۴) هستند که «در کارشان از ابزار و ترفندهایی نظیر نیرنگ، کلاه‌برداری، تقلب و دروغ‌پردازی که اغلب با رایانه، قلم و کاغذ انجام می‌شود، بهره می‌گیرند. (بیابانی، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰) از جرایم اقتصادی به دلیل آمیختگی و ارتباط تنگاتنگی که با فساد دارند، باید تحت عنوان مفاسد مالی (حسینی، ملازمیان، ۱۳۹۴: ۶۶) یاد نمود که از دانش حقوقی یا رفتاری نشأت می‌گیرد. (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۹) از آن‌جا که مبارزه علیه این قبیل جرایم با موفقیت کامل و حتمی همراه نیست، ولی با افزایش سطح اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و نیز پیاده نمودن آموزه‌های پیشگیرانه‌ی دینی، می‌توان از افزایش این نوع جرایم جلوگیری نمود. (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۳) این درحالی است که امروزه به دلیل دینامیک ضد قناعت نظام سرمایه داری که مدام بر مصرف‌گرایی، مدگرایی و تکاپوی بیشتر برای جا نماندن از قافله پیشرفت مادی و... دامن می‌زند و تا

حدود زیادی عنان اختیار را از افراد ربوده است، به این مقوله هیچ توجهی نمی‌کند. در اخلاق سرمایه داری جدید اعتقاد بر این است که آن‌چه (مانند تکاثر و حرص) در اخلاق سنتی، رذایل نامیده می‌شد، از منظر خیر اجتماعی دیگر رذایل نیستند. چراکه منجر به توسعه و رفاه اجتماعی شده و از این رو باید آن‌ها را نوعی فضیلت دانسته که باید ترویج شوند و مکانیسم کنترل‌کننده پیامدهای آن‌ها هم ابزارهای قانونی و نهاد رقابت است. و این بلایی است که متأسفانه امکان قناعت ورزی را از بشر امروزی ربوده است و باید برای آن فکری کرد.

فرضیه تحقیق آن است که پرهیز از حرص و نیز قناعت به آن‌چه خداوند روزی انسان نموده، بر اساس نتایج مطلوبی که در پی دارند، می‌تواند شاخص مهمی در زمینه جلوگیری از وقوع بسیاری از پدیده‌های مجرمانه، آسیب‌ها و مفسدات اجتماعی اقتصادی باشند. حال مسئله‌ی تحقیق حاضر آن است که ضمن پاسخ‌گویی به دو سؤال ذیل، نقش و جایگاه فضیلت قناعت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق پیشگیری اجتماعی،^۱ در ممانعت از وقوع جرایم و مفسدات کلان و رایج اقتصادی جامعه، تبیین نماید.

۱. پیامدهای رذیله اخلاقی حرص کدام‌اند و چه تأثیری در وقوع جرایم اقتصادی دارند؟
۲. بر مبنای آیات و روایات اسلامی، نقش پیشگیرانه‌ی آثار و فواید قناعت در وقوع جرایم اقتصادی چیست؟

پژوهش حاضر یکی از مباحث و موضوعات میان‌رشته‌ای بوده که در چارچوب دو حوزه‌ی اخلاق و حقوق کیفری انجام خواهد شد. نگارندگان این جستار جهت پاسخ به پرسش‌های فوق، پس از تبیین واژگان کلیدی، اجمالاً مهم‌ترین مصادیق جرایم اقتصادی، خصوصیات این نوع جرایم و نیز پیامدهای آن را مورد بررسی قرار خواهند داد. سپس به بررسی رذیله‌ی اخلاقی حرص به‌عنوان علت العلل وقوع جرایم اقتصادی، از منظر آیات و روایات و نیز پیامدهای آن پرداخته می‌شود. در ادامه به بیان و تبیین عوامل ایجاد و تقویت قناعت در زندگی و نیز آثار و فواید آن و نیز الگوپذیری قناعت خانواده و مدیران بررسی خواهد شد.

۱. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱). و هیچ چیز نیست مگر آن که گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ی معین فرو نمی‌فرستیم.»

بخش اول: پیشینه تحقیق

علی‌رغم آنکه در راستای نقش و تأثیر آموزه‌های دینی و غیر دینی در امر پیشگیری از وقوع جرایم و مفاسد، تحقیقاتی به‌عمل آمده است، لکن بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که تاکنون تحقیقی با موضوعیت و محوریت عنوان مذکور، انجام و ارائه نگردیده است. با این حال به تحلیل و بررسی پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع مورد تحقیق، می‌پردازیم:

- شمس‌ناتری و توسلی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی» با تأکید بر سیاست جنایی ایران و اسناد سازمان ملل، به برخی از مهم‌ترین تدابیر پیشگیرانه وضعی در رویارویی با جرایم اقتصادی پرداخته شده است.

تفاوت تحقیق پیش رو در بررسی اهمیت، آثار و فواید فضیلت قناعت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آموزه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه‌ی منابع اسلامی در ممانعت و پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی با نگاشته سابق کاملاً مشهود است.

- در تحقیقی (شهبایی، ۱۳۹۴) که به روش علی-مقایسه‌ای با بهره‌گیری از تبیین‌های نظری کورنیش و کلارک زندانیان جرایم اقتصادی محبوس در زندان اوین با گروه ۱۲۰ نفری هم‌تا از فعالان اقتصادی به بررسی تطبیقی تأثیر بازدارنده‌های دینی و غیردینی بر وقوع جرایم اقتصادی پرداخته شده است؛ این پژوهش به موضوع قناعت در پیشگیری از جرایم اقتصادی اشاره نموده است.

- کتاب «روش‌شناسی پیشگیری از جرایم اقتصادی از منظر امام علی (علیه السلام) با تأکید بر نهج البلاغه» اثر سمانه فتحی (۱۳۹۵)، این نوشته درباره جایگاه، ضرورت و اهمیت پیشگیری از جرایم اقتصادی و مفهوم شناسی آن در چهار بخش با تأکید بر نهج البلاغه سامان یافته است و مانند پژوهش قبلی، قناعت و آثار و فواید آن در پیشگیری از جرایم اقتصادی مود اهتمام نویسنده نبوده است.

- زمانی و بایاری (۱۳۹۱) در پژوهش دیگری با عنوان «نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی» درصد بررسی نقش پیشگیری اجتماعی و تبیین شاخص‌های آن در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی برآمده یافته‌ها نشان داد که تمامی شاخص‌های پیشگیری اجتماعی احصا شده با شاخص‌های جرایم اقتصادی رابطه

معنادار داشته و شاخص‌های ترویج روحیه توکل به خداوند، ارتقای باورهای دینی، ترویج فرهنگ قناعت‌پذیری و ارتقای روحیه قانون‌گرایی بیشترین تأثیر را در پیشگیری اجتماعی از جرایم اقتصادی دارند؛ این پژوهش قرابت بیشتری با موضوع پژوهش ما دارد اما پژوهش پیش رو از نظر تخصصی و تأکید بر قناعت در پیشگیری از جرایم اقتصادی، تفاوت مبنایی با پژوهش مورد نظر دارد.

بخش دوم: مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به تبیین واژه‌های کلیدی تحقیق پرداخته شود:

۱- جرایم اقتصادی

از آنجا که جرم اقتصادی در قانون‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی از جمله ایران و فرانسه فاقد تعریف قانونی بوده و تنها به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱: ۳۲)، لذا در اغلب موارد مجرمان کلان اقتصادی، تحت عنوان مجرمانه «تحصیل مال از طریق نامشروع» تحت پیگرد، محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند. (زمانی، ۱۳۹۱: ۲۰) در عین حال برای مفهوم جرائم اقتصادی تعاریفی ارائه گردیده که به‌عنوان نمونه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «جرائمی که با انگیزه‌ی مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، یعنی فعالیت‌های، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه ستانی، کمیسیون‌گیری، اعطای تسهیلات غیرقانونی به‌نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد». (عشماوی، ۱۳۸۶: ۱۷)

- «بزهکاری اقتصادی، ماحصل انگیزه‌ای است که از تعامل بین «تمایل فردی» و «وضعیت» منتج می‌شود» که نتیجه‌ی آن بروز رفتارهایی غیرقانونی علیه نظام اقتصادی است که بسته به نوع حاکمیت و نظام اقتصادی دارای مصادیق مختلفی است (۷: ۲۰۰۵، korsell؛ شمس‌ناتری، توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

- «آن دسته از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند، یا به این قصد انجام می‌شوند، یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند و هدف نهایی آن‌ها کسب منافع مالی سرشار است» (جلیلیان، عطازاده، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

۲- قناعت

نظر به اهمیت فضیلت قناعت، ضرورت دارد که به مفهوم‌شناسی این واژه در سه سطح لغت، اصطلاح و منابع اسلامی پرداخته شود: قناعت در فرهنگ‌های مختلف به معانی؛ خرسندی و رضامندی است از آن‌چه فراهم است که به خواری، سؤال و ذلت کشانده نمی‌شود، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۵۳) رضا دادن به سهم خویش، (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۲۲۵) خرسندی، بسنده کردن به قسمت، بسنده کردن به مقدار نیاز، صرفه‌جویی، خشنودی به آن‌چه از روزی و معاش قسمت می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۵) و نیز به معنای راضی شدن به مقدار کم از بخشش (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۱۳۷) آمده است.

قناعت در اصطلاح، آن است که نفس نسبت به امور خوردن، آشامیدن و پوشیدن سخت‌گیری نکند و هر چیزی را که سد خلل کند، رضایت داشته باشد و خود را به‌زحمت و مشقت نیندازد. (حکیمی، ۱۳۷۶: ۹۶) قناعت یک ملکه نفسانی است که به‌موجب آن انسان به نیاز خود از اموال رضایت می‌دهد و خود را برای تحصیل بیشتر آن به مشقت نمی‌اندازد. (نراقی، ۱۴۰۸ق: ۲۱) حسین انصاریان در کتاب عرفان اسلامی در تعریف قناعت گوید: «قناعت یعنی به حد کفاف راضی بودن و آن حدی است که اگر کمتر از آن را داشته باشد مجبور به تکدی می‌شود، اگر بیشتر داشته باشد به اسراف دچار می‌شود و اگر برابر آن داشته باشد به دین عمل کرده است؛ اما تعیین این حد مشکل است». (انصاریان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۵) بنابراین قناعت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: عبارت است از خرسندی و رضامندی انسان از مقدرات هستی که به خواری، سؤال و ذلت کشانده نمی‌شود و در مقابل آن حرص و طمع قرار دارد.

فضیلت قناعت در روایات اسلامی نیز معادل معنای لغوی آن و به معنای رضایت‌مندی به مقدار کفاف و نیاز آمده که بیش از آن، حرص دانسته شده و مورد مذمت قرار گرفته است. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند:

«كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَىٰ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۸۳): هر بنایی که بیش از کفاف و بسندگی باشد، در روز قیامت، وبال عقوبتی برای صاحب آن خواهد شد». در روایتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اکرم، از جبرئیل سؤال کرد:

«ما تفسیر القناعة؟ قال يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل ويشكر اليسير؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۱۹۴). تفسیر قناعت چیست؟ (جبرئیل) پاسخ داد: (قناعت)، راضی بودن به

همان مقداری است که از دنیا نصیب شخص می‌شود، به کم قانع است و از نعمت کم نیز سپاسگزاری می‌کند.

۳- پیشگیری

پیشگیری در معنای اعم، مجموعه اقداماتی است که مانع از ارتکاب و بروز جرایم می‌شود. این اقدامات یا جنبه‌ی کیفری (واکنش) داشته که در مرحله‌ی پس از ارتکاب جرم و در قالب مجازات، اعمال می‌گردد و یا دارای بعد غیرکیفری (کنشی) است که مربوط به مرحله‌ی قبل از وقوع جرایم بوده و فاقد جنبه قهرآمیز است. (حسینی، ملازمیان، ۱۳۹۴: ۸۰؛ ساریخانی، سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵: ۱۴۴؛ نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۹)

نظر به عنوان پژوهش حاضر در بررسی قرار دادن نقش قناعت در ممانعت از وقوع جرایم اقتصادی، بعد غیر کیفری پیشگیری مدنظر بوده لذا تعریف زیر مد نظر ماست: «مجموعه فعالیت‌ها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می‌شود و با ریشه‌ها و علل پیدایی جرم مبارزه می‌کند». (توسلی، صادقی، ۱۳۹۴: ۴۷)

۴- حرص

حرص در لغت به معانی متفاوتی آمده است از جمله: آزور شدن، ولع، طمع، آزور کردن. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۵۱) راغب در مفردات خود، در تعریف آن گوید: الحرص: زیاده‌روی در آزمندی و میل و اراده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۷۰). چنانکه خدای عزوجل در قرآن کریم گوید: «وَلْتَجِدْنَهُمْ أُحْرِصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَوةٍ» (البقره، ۹۶): آن‌ها را بر زندگی به شدت حریص می‌یابی. و درجایی دیگر به معنای میل و اراده آمده است: «إِنَّ تَحْرِصَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ» (النحل، ۳۷): اگرچه بر هدایتشان میلی و اراده‌ای افزون داری. این واژه در قرآن کریم چندین بار به کار رفته که تنها یک آیه، مصداق حرص مذموم است:

«وَلْتَجِدْنَهُمْ أُحْرِصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَوةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوْمَئِذٍ أُحْدِثُ لَهُمْ لَوْمَةً فَأَلْفَ سَنَةٍ وَ مَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعْمَرَ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (بقره، ۹۶): و یقیناً آنان را هر حریص‌ترین مردم به زندگی [دراز مدت] خواهی یافت و [حتی حریص‌تر] از مشرکان. هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال عمرش دهند، ولی آن عمر طولانی دور کننده او از عذاب نیست؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست».

در سایر آیات، (توبه: ۱۲۸، یوسف: ۱۰۳، نحل: ۳۷) این واژه در معنای حرص ممدوح و برای بیان خیرخواهی شدید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مردم و عزم ایشان بر هدایت

انسان‌ها به‌کار رفته است. (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) تعبیر بسیار جالبی در تعریف حرص دارد، هنگامی که از ایشان پرسیدند: حرص چیست؟ فرمود: «هُوَ طَلَبُ الْقَلِيلِ بِإِضَاعَةِ الْكَثِيرِ!» مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ۱۶۷): (حرص) آن است که انسان چیز کمی را جستجو کند در برابر چیز بسیاری را که از دست می‌دهد!». صفت حرص، از رذایل اخلاقی و متعلق به قوه شهویه است و در تعریف آن چنین آمده است:

«حرص، حالت وصفی است نفسانی که انسان را برگرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد، برمی‌انگیزد بی‌آنکه به حد و مقدار معینی اکتفا کند و آن نیرومندترین شاخه‌های دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است. این حالت، آدمی را بر جمع نمودن زائد از آنچه بدان احتیاج دارد وامی‌دارد. این صفت، یکی از شعب حبّ دنیا و از جمله صفات مهلکه است.» (نراقی، ۱۳۷۷: ۱۳۷)

پس حرص را باید زیاده‌خواهی در امور دنیوی دانست. واژه مترادف حرص اصطلاحی در قرآن کریم، «هَلْوَع» است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلْوَعًا؛ (معارج، ۱۹): به‌یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است». ریشه حرص، حب دنیا می‌باشد و انسان را به جهت اشتغال به دنیا و گردآوری دارایی، از آخرت و عمل نیک بازمی‌دارد «حَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۱۷): ریشه همه بدی‌ها و خطاها، حبّ و دل‌بستگی به دنیا است».

۵- جرم

«جرم- ج جروم و أجرام، در لغت به‌معنای گناه و اشتباه آمده است». (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۹۵) اما در تعریف اصطلاحی، این واژه را می‌توان در دو سطح تبیین نمود. یک جنبه معادل واژه مرادف آن یعنی بزهکاری بوده که عبارت از هرگونه رفتاری که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در تضاد است «اعم از این که مجازاتی برای آن در قانون لحاظ شده باشد یا نشده باشد» و این همان بعد عام و موسع آن است. و جنبه‌ی دیگر آن همان تعریف قانونی بوده که وجه تمایز آن در اعمال کیفر و مجازات بر اساس اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است که قانونگذار کشورمان در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب سال ۱۳۹۲) به تعریف و تبیین آن پرداخته است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود». (زاهدی، ۱۳۹۶: ۱۵؛

رشاد، ۱۳۷۸: ۲۸۵-۲۸۴؛ توسلی، صادقی، ۱۳۹۴: ۴۷) برخی چون طبرسی، جرم را به معنای قطع گرفته و نیز وجه تسمیه گناه شمردن جرم را، در قطع طریق صحیح انسانیت و سعادت و رحمت الهی و به تعبیری قطع عمل واجب الوصل می‌دانند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۲۸-۲۷).

بخش سوم: مصادیق جرایم اقتصادی

مواد ۱ تا ۱۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲، مواد ۱ تا ۵۶ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳، مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران نظام اقتصادی کشور، نمونه‌هایی از قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی بوده (زمانی، بایاری، ۱۳۹۱: ۱۴۰)، که در ذیل به تبیین اجمالی اهم رایج آنها پرداخته می‌شود:

۱- کلاهبرداری

کلاهبرداری، از جمله جرایم علیه اموال و مالکیت است که ماهیت آن سوء استفاده از زودباوری اشخاص بوده و تحقق آن با تحصیل مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه همراه با حیله و نیرنگ است (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۴). از این جهت رکن مادی کلاهبرداری را باید جرمی مرکب از دو فعل توسل به مانور متقلبانه و بردن مال غیر دانست. (فرح‌بخش، ۱۳۸۸: ۲۸۴) عنصر قانونی جرم عام کلاهبرداری ماده ۱ و دو تبصره «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، و رکن معنوی آن، سوء نیت عام (اراده مرتکب مبنی بر توسل به وسیله متقلبانه و فریب دیگری) و سوء نیت خاص (قصد بردن مال طرف مقابل) است» این جرم دارای سه مشخصه؛ متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده، اغفال قربانی و تعلق مال برده شده به غیر است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۶۲؛ فرح‌بخش، همان: ۲۸۴)

۲- پول‌شویی

از جرایم حاصل از مفاسد اقتصادی، جرم پول‌شویی^۱ بوده و آن عبارت است از تبدیل پول و ثروت ناشی از تسهیلات کلان اقتصادی به امکانات و دارایی‌های دیگر با هدف پنهان

۱ spoof

۲ money laundering

نمودن منشأ پول‌های دریافتی. (زمانی، همان: ۲۳) از این حیث آن‌را باید جرمی ثانویه دانست چراکه در ایجاد جرایم دیگر تأثیری مستقیم دارد. اکل مال به باطل (بقره: ۱۸۸) و اکل سحت (نساء: ۲۹)، مستندات قرآنی دال بر حرمت جرم پول‌شویی هستند. دبیرخانه مبارزه با پول‌شویی، از مهم‌ترین متولیان شناسایی و پیگیری جرایم پول‌شویی است.

۳- اختلاس

به موجب ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (عنصر قانونی)، مشخصه اصلی جرم اختلاس که از مصادیق جرم خیانت در امانت است، آن است که مرتکبین آن، مأموران دولت بوده که نسبت به اموال دولت و یا اموالی که نزد دولت به امانت گذاشته شده، مرتکب خیانت می‌شوند. (میرمحمد صادقی، همان: ۲۱۸-۲۱۷)

۴- رشوه

در قرآن کریم عین واژه‌ی «رشوه» استعمال نگردیده اما تعبیری نظیر: «سحت» به کار رفته که مطابق نظر بسیاری از مفسران از جمله علامه طباطبایی، رشوه را می‌توان از مصادیق آن دانست. (عطایی، ۱۳۸۵: ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۵۵۸) این پدیده مذموم در منابع اسلامی به شدت مورد ذم و نکوهش قرار گرفته است. در این مورد به احادیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اشاره می‌شود:

«لَعْنَةُ اللَّهِ الرَّأْسِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْأَذَى يَمِشِي بَيْنَهُمَا؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۷): لعنت خدا بر رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین آن دو»، «إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۲۷۴): از رشوه بپرهیزید، چراکه آن کفر محض است و رشوه‌خوار بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد». امروزه ممکن است قبح این نوع بزه با عناوینی چون «حقانه» (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۹۶)، «شیرینی»، «حق‌الزحمه» و... پوشانده شود. (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۶؛ عطایی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳) حال آن‌که این ترغیبات همگی کنایه از رشوه بوده (حسنی، ۱۳۹۵: ۲۱۱) و هیچ‌گونه تغییری در ماهیت حرام بودن این عمل قبیح ندارد. «افزایش هزینه توافق افراد»، (بیابانی، ۱۳۹۱: ۷۷) عدم اعتماد به

۱ defalcation

۲ bribery

اوضاع اقتصادی، بی‌کفایتی و عدم توانایی اداره اوضاع، نمونه‌هایی از تبعات این نوع جرم اقتصادی است.

۵- ربا

عنصر قانونی جرم ربا، ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ بوده که به دو نوع معاملی و قرضی تقسیم می‌شود. آیات زیادی از قرآن کریم بر حرمت ربای قرضی دلالت دارد.^۱ مطابق آیه شریفه: «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹): و اگر از این کار [ربا] پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست، که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید»، ربا نوعی ظلم بوده که اخذ زیاده مال، ظلم نمودن و دادن زیاده مال، مورد ظلم قرار گرفتن است. کاهش میل به اخذ وام و کاهش میل به سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ مؤثر اشتغال و در نهایت افزایش نرخ بیکاری، افزایش هزینه تولید و در نتیجه کاهش تولید ملی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، اختلال در کار خصوصی سازی، ورشکستگی تجار و فقر فراگیر، نمونه‌هایی از پیامدهای ربا و افزایش نرخ بهره بانکی است. (امینی، ۱۳۸۰: ۸-۷)

۶- قاچاق^۲

مطابق مواد ۳۶ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و نیز ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲، قاچاق کالا و ارز از مصادیق جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. حمایت از تولید داخلی، درآمد دولت و حفظ توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور، هدف اصلی جرم انگاری قاچاق کالا است. (پژویان، مداح، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷)

۷- احتکار^۳

۱. «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵) خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل عمران: ۱۳۰): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا نخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود. «وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ» (نساء: ۱۶۱): و هم بدین جهت که ربا می‌گرفتند، در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند. «وَ مَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ» (روم: ۳۹): و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (ربا خوار) بیفزاید (و یا هدیه به اغنیاء دهید تا خود نفع زیاد دنیوی برید) نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود)».

۲Smuggling

۳Hoarding

احتکار، یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق اجتماعی است که پیامد آن وارد کردن ستم و اجحاف به اقتصاد خانواده و جامعه بوده (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۱؛ جوهری، ۱۳۹۹ق: ۶۳۵) که به موجب مواد ۲۰۳ قانون تشدید مجازات محترکان و گران فروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ «هرکس کالای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خوردداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و ماسک نماید در حکم محترک است و مجازات محترک را خواهد داشت»، که با رعایت مراتب تأدیب به مجازات از دو برابر تا ده برابر قیمت کالای احتکار شده و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌گردد.

بخش چهارم: خصوصیات، پیامدها و علل جرایم اقتصادی

کلان بودن، وجود دلالتان صاحب نفوذ در سیستم دولتی (Jose Rico, 2012, 21؛ میرسعیدی، زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۹)، توسل به ترفندهای تقلب و دروغ‌پردازی، رانت‌خواری، حریص بودن و زیاده‌خواهی مرتکبان، (جلیلیان، عطازاده، ۱۳۹۴: ۱۳۱) تحقق در قالب فعالیت‌های تجاری، صنعتی و قانونی، پیچیدگی و نداشتن شاکي و مدعی خصوصی از جمله مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی بوده که در صورت عدم برخورد قاطع و تمهیدات پیشگیرانه، رواج این نوع جرایم، مفسد و نتایج مخرب زیادی را در پی داشته که به ذکر و تبیین مواردی از آنها به‌نحو اجمالی پرداخته می‌شود:

افزایش هزینه‌های امنیتی، انتظامی، اجتماعی و خصوصی، کاهش قدرت دولت در افزایش درآمدها، (عطایی، ۱۳۸۵: ۸۷) کاهش رفاه اجتماعی، از بین رفتن عدالت اجتماعی در توزیع منابع به‌خصوص در کشورهای مبتنی بر اقتصاد رانتی^۱ و رشکستگی نظام اقتصادی کشور، آسیب‌های روانی، کاهش اعتماد عمومی، (عطایی، همان: ۷۹) ظهور و بروز جرایم ثانویه. (ساکي، ۱۳۸۹: ۲۶)

«برخلاف بیشتر جرایم خرد که اغلب به علت عدم وجود اشتغال و فقدان درآمد کافی ارتکاب می‌یابد»، علت‌العلل وقوع جرایم اقتصادی را باید در زیاده‌خواهی‌های نفسانی (زمانی، بایاری، همان: ۱۳۹)، حرص و قانع نبودن مرتکبین آن جست و جو نمود. حال

ضرورت دارد نخست به بررسی این صفت مذموم به‌عنوان منشأ و ریشه‌ی وقوع جرایم و مفساد اقتصادی پرداخته شود.

بند اول: حرص مذموم، نقطه مقابل قناعت

یکی از بهترین راه‌های شناخت معنا و مفهوم هر کلمه، شناخت واژه‌های ضد یا مقابل آن است. چنانکه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمودند:

«اعلموا انکم لن تعرفوا الرشد حتى تعرفوا الذی ترکه و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتى تعرفوا الذی نقضه و لن تعرفوا الضلالة حتى تعرفوا الهدی؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷): شما راه راست را تا هنگامی که بیراهه را نشناسید، نخواهید شناخت و پیمان قرآن را تا هنگامی که پیمان شکن را نشناسید، استوار نخواهید داشت و گمراهی را نخواهید شناخت مگر زمانی که راه راست را بشناسید».

قاعده‌ای رایج نیز وجود دارد که می‌گوید: «إنَّ الأشياءَ إنما تعرف بأضدادها» (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۷۸): یعنی پدیده‌ها را تنها از راه شناخت اضدادشان می‌توان شناخت. (میراکبری، ۱۳۸۹: ۱۴۶) در مقابل قناعت، صفت رذیله حرص قرار دارد. طبیعتاً هر که قانع نباشد، حریص است لذا ضرورت دارد رذیله‌ی حرص را به‌عنوان نقطه مقابل قناعت (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۱) از منظر منابع اسلامی بررسی نموده و سپس به ذکر پیامدهای آن پرداخته شود. در روایتی امام علی (علیه‌السلام)، تنها راه رسیدن به قناعت را نبودن حرص بیان می‌کند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۲۸۲) در نخستین فراز از دعای هشتم صحیفه سجادیه، امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) از هشت رذیله اخلاقی به خدا پناه می‌برد: حرص، غضب، حسد، کم‌صبری، کم قناعتی، سخت‌گیری، زیاده‌خواهی و تعصب بیجا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِحْجَاجِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ؛ (الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ، ۱۳۷۶: ۵۶): خدایا پناه می‌برم به تو از شور حرص (آزمندی) و تندلی خشم و چیرگی حسد و کم‌طاقتی و کمی قناعت (ناخرسندی از روزی مقدر) و ناسازگاری اخلاق و اصرار بر شهوت و از حمیت جاهلیت».

غفلت از خداوند متعال، (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۰: ۳۹۵) بی‌پروایی در ارتکاب گناه، (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱) محرومیت از الطاف الهی، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۱۹) کثرت

مشکلات و گرفتاری دنیوی، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۱۷) شقاوت در دنیا و آخرت، (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۶۱) نابودی عقل و خرد، (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹) کفر، (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۳۶۷) نشانه نفاق، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹: ۱۷۶) ذلت و خواری، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۱۶) افسردگی و عدم رضایت، (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۰) و افساد یقین به مقدرات الهی، (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۴؛ نوری، همان) اهم پیامدهای حرص مذموم بر مبنای منابع اسلامی بوده که چنانچه مجموع این پیامدها در شخص حریص تجلی پیدا کند، از ارتکاب اعمال بزهکارانه از جمله جرایم مالی، هیچ‌گونه ابایی ندارد.

بند دوم: آثار و فواید قناعت

موارد فراوانی چون فرزند پروری بهتر، (بونارو، ۱۳۵۲: ۱۶۷) الگوگیری مردم از پیشوایان (علیهم‌السلام)، (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷) فکر و تعقل، (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۷) کثرت یاد مرگ و آخرت، (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹) عفت، (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۱) مقایسه و توجه به ناتوان‌تر اقتصادی، (مجلسی، همان، ج ۷۵: ۲۴۲) عامل شخصیتی و تقویت اعتقادی، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۹۳) همگی از آثار تقویت قناعت در زندگی بوده که در صورت تحقق، حیات طیبه را در دو بعد زندگی فردی و نیز اجتماعی در پی خواهد داشت. قناعت از طریق کاهش مصرف به افزایش پس انداز انجامیده و وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند. این امر نیز منجر به افزایش تولید و اشتغال می‌شود. از طرفی با کاهش مصرف کالاهای غیرضرور و لوکس به وسیله اقشار متوسط و ثروتمند جامعه، وجوه بیشتری را برای پس انداز و کاربست آن در قالب قراردادهای مبادله ای و مشارکتی و قرض الحسنه در نظام بانکداری اسلامی فراهم کند. به عبارت دیگر قناعت، با فراهم کردن منابع بیشتر بانکی از راه افزایش پس اندازها در نظام بانکی ما جهت سرمایه گذاری و قرض الحسنه می‌تواند به چرخش منابع و ثروت جامعه کمک کند. در واقع قناعت سیاستی غیر رسمی جهت بازتوزیع درآمد و ثروت در جامعه است. (امرائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۵) برخی دیگر از آثار و فواید قناعت که در پیشگیری از جرایم اقتصادی تأثیر به‌سزایی دارند بر اساس احادیث ائمه (علیهم‌السلام) عبارتند از:

الف - فواید دنیوی

۱. آرامش روان

افرادی که به وضعیت فعلی خود و آنچه خداوند به آنها عطا نموده، قانع بوده و در افسوس نداشتن بیش از آن به سر نمی‌برند، زندگی را با روانی آرام و به دور از دغدغه و نگرانی می‌گذرانند. در ذیل به احادیثی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پرداخته می‌شود که در آن آسایش و آرامش خاطر، اثر ارزشمند قناعت معرفی شده است:

- «ثَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الرَّاحَةُ؛ (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰: ۷۶۴): راحتی و آرامش، نتیجه قناعت است».

- «الرضا ينفى الحزن؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۲): رضایت [و قناعت به آنچه هست] اندوه را از بین می‌برد».

- «مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَهَمَ الرَّاحَةَ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱): هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند». امام صادق (علیه‌السلام) در حدیث ذیل، حرص و فقدان قناعت را از دلایل عدم آسایش و نارضایتی در زندگی معرفی می‌نماید:

«حَرَمَ الْحَرِيصُ خَصْلَتَيْنِ وَ لَزِمَتْهُ خَصْلَتَانِ: حُرْمَ الْقَنَاعَةِ فَافْتَقَدَ الرَّاحَةَ وَ حَرَمَ الرِّضَا فَافْتَقَدَ الْيَقِينَ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۰): حرص از دو خصلت محروم شده و در نتیجه دو خصلت را با خود دارد: از قناعت محروم است و در نتیجه آسایش را از دست داده است، از راضی بودن محروم است و در نتیجه یقین را از دست داده است».

و در حدیثی، قناعت را از دلایل آسایش و راحتی در دنیا و آخرت معرفی می‌نماید: «وَمَنْ قَنَعَ بِالْمَقْسُومِ اسْتِرَاحَ مِنَ الْهَمِّ وَالْكَرْبِ وَالتَّعَبِ؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۲۲۵): پس کسی که به تقدیر و قسمت خود قانع باشد از غم و خستگی درمان خواهد بود».

۲. بی‌نیازی و دولت‌مندی از غیر خدا

در این مورد به احادیثی از مولای متقیان (علیه‌السلام) اشاره می‌شود:

«الْقَنَاعَةُ رَأْسُ الْغِنَى؛ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۲۸۱-۲۸۰): قناعت، رأس بی‌نیازی و ثروت است»، «أَغْنَى النَّاسِ الْقَنَاعُ؛ (تمیمی آمدی، پیشین: ۱۸۶): توانگرترین مردم کسی است که قناعت کند»، «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا، وَ بِحَسَنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا، وَ سَأَلَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» فَقَالَ: هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ آدمی را قناعت برای دولت‌مندی، و خوش خلقی برای فراوانی نعمت‌ها کافی است. از امام سؤال شد، تفسیر آیه: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً

طَّيِّبَةً» (نحل، ۹۷): پس او را بی‌تردید (در دنیا) به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت. چیست؟ فرمود: قناعت است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۹)، «القنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛ (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۷): قناعت، ثروتی است پایان‌ناپذیر»، «طَلَبْتُ الْغِنَى فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالْقنَاعَةِ، عَلَيْكُمْ بِالْقنَاعَةِ تَسْتَعْنُوا؛ توانگری را جوییدم و آن را جز در قناعت، نیافتم، قانع باشید تا توانگر شوید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۱۹۲). در حدیثی دیگر امام کاظم (علیه‌السلام)، فرمودند: «من قنع بما يكفيه استغنى و من لم يقنع بما يكفيه لم يدرك الغنى الخبر؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۲۲۴).

۳. سلامت دین

حضرت علی (علیه‌السلام): «إِقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ أَلْبَلُغَةَ الْإِسِيرَةِ مِنَ الدُّنْيَا تُقْنِعُهُ؛ (تمیمی‌آمدی، پیشین: ۱۵۶): برای سلامت دین خود، به مقدار کم از دنیایان قناعت کنید. به درستی که بهره‌مندی از مقداری اندک از دنیا، مؤمن را قانع می‌کند».

۴. عزت نفس و سربلندی

احادیث امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) مؤید مورد فوق است:
- «مَنْ تَجَلَّبَبَ الصَّبْرَ وَ الْقنَاعَةَ عَزَّ وَ نَبَل؛ (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۶۷): هر کس لباس صبر و قناعت بر تن کند، عزیز و بافضیلت می‌شود»، «القنَاعَةُ تُوْدِي إِلَى الْعِزِّ؛ (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۰): قناعت به عزت منتهی می‌شود»، «القنَاعَةُ أَبْقَى عِزًّا؛ (همان): پایدارترین عزت، قناعت است»، «أَعْوَنُ شَيْءٍ عَلَى صَلَاحِ النَّفْسِ الْقنَاعَةُ؛ (تمیمی‌آمدی: ۱۴۱۰ق: ۲۰۴): کمک‌کارترین عامل بر اصلاح نفس، قناعت است».

۵. گوارا شدن زندگی

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «خمس مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّأ الْعَيْشِ الصَّحَّةُ وَ الْأَمْنُ وَ الْغِنَى وَ الْقنَاعَةُ وَ الْأَنْبَسُ الْمَوَافِقُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۸۳): کسی که پنج چیز در او نباشد، زندگی برایش گوارا نیست. سلامتی، امنیت، بی‌نیازی، قناعت و همسر موافق».
در ذیل به احادیثی از امام علی (علیه‌السلام) پرداخته می‌شود که ایشان، قناعت را گواراترین زندگی به شمار آورده‌اند:

«القنَاعَةُ اَهْنَأُ عَيْشَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۲): گواراترین زندگی، قناعت است.» قناعت مصداق حیات طیبه: «سئل علی (علیه السلام) عن قوله تعالى: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً، فَقَالَ هِيَ الْقنَاعَةُ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹): از امیرمؤمنان (علیه السلام) درباره سخن خداوند متعال که فرمود: ما به او حیات طیبه عطا می کنیم، سؤال شد. پس حضرت فرمودند: حیات طیبه، قناعت است، «أَنْعَمُ النَّاسُ عَيْشًا مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْقنَاعَةَ وَأَصْلَحَ لَهُ زَوْجَةٌ؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۲): خوش ترین زندگی را کسی دارد، که خداوند سبحان قناعت ارزانش دارد و همسری پاک و شایسته نصیبش گرداند»، «أَطْيَبُ الْعَيْشِ الْقنَاعَةُ؛ (همان: ۱۸۹): پاک ترین زندگی، قناعت است»، «جَمَالُ الْعَيْشِ الْقنَاعَةُ؛ (همان: ۳۳۸): قناعت، زیبایی زندگی است.»

۶. پیدایش رفاه اقتصادی

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «عَلَيْكَ بِالْعِفَافِ وَ الْقنُوعِ فَمَنْ أَخَذَ بِهِ خَفَّتْ عَلَيْهِ الْمُؤْنُ؛ (همان: ۴۴۴): بر تو باد به پاکدامنی و قناعت، زیرا هر کس قناعت را فراگرفت سنگینی زندگی بر وی سبک گردد.»

۷. تقویت ایمان و تقوا

امام صادق (علیه السلام)، شخص قانع را در زمره مؤمنان واقعی معرفی می نماید: «خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَانِعُ وَ شَرَارُهُمُ الطَّامِعُ؛ (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۴۶۳): بهترین مؤمنان کسی است که قانع است و بدترین آنها کسی است که طمع کار است.» در حدیثی دیگر امام علی (علیه السلام)، قناعت را از ویژگی های متقین معرفی می نماید: «الْقنَاعَةُ عِلْمٌ الْاِتْقِيَاءُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰): قناعت و سازگاری علامت پرهیزگاران است.»

ب - فواید اخروی

۱. آسایش دنیا و آخرت

تمسک به قناعت و پرهیزکاری، موجب راحتی و آسایش در دنیا و آخرت است. امام صادق (علیه السلام)، تمسک به قناعت را عاملی مهم جهت رسیدن به آسایش دنیا و آخرت معرفی می نمایند:

«أَنَّ التَّمَسُّكَ بِالْقنَاعَةِ وَالتَّقْوَى يُورِثُ لَهُ رَاحَةَ الدَّارَيْنِ، وَأَنَّ الرَّاحَةَ فِي هَوَانِ الدُّنْيَا وَالْفَرَاغِ مِنَ التَّمَتُّعِ بِهَا وَفِي إِزَالَةِ النَّجَاسَةِ مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبُهَةِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷: ۱۶۵):

متمسک شدن به قناعت و پرهیز کاری موجب راحتی و آسایش در دنیا و آخرت است، زیرا استراحت و خوشی در خوار شمردن دنیا و فارغ شدن و فرار کردن از لذائذ آن و در زائل و پاک کردن نجاسات و اجتناب از محرمات و مشتههات می‌باشد.

از طرفی «کسب آرامش و احساس رضایت‌مندی، مهم‌ترین نیاز انسان معاصر جهان است. دنیازدگی و تنوع‌طلبی‌های افراطی که از بحران‌های اخلاقی کنونی به شمار می‌آید، میل به خودخواهی، افزون‌طلبی و سستی روابط انسانی را رقم‌زده و احساس تنهایی، اضطراب و افسردگی را بر زندگی آن‌ها سایه افکنده است» (کلانتری، جنتی، ۱۳۹۱: ۲).

۲. سبکی حساب در روز قیامت

مستند روایی این مورد، حدیث مولی الموحدین علی (علیه‌السلام) است که فرمودند: «اَقْنَعِ بِمَا اَوْتَيْتَهُ حِفَّ عَلِيكَ الْحِسَابِ؛ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۸۳-۲۸۲): به آنچه داده شدی قناعت ورز تا حساب روز قیامت بر تو سبک و آسان گردد».

۳. هدایت و رستگاری

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ هَدَى لِلْإِسْلَامِ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافاً وَ قَنَعَ؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۵۹): خوشا آنکه با اسلام هدایت شود و معیشت او بحد کفاف باشد و قناعت کند». امام جعفر صادق (علیه‌السلام) نیز می‌فرمایند: «أَفْلَحَ مَنْ هَدَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافاً وَ قَنَعَ بِهِ؛ (همان: ۲۳۴): هر که با اسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار شده است».

۴. رضایت الهی

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْيُسْرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيُسْرِ مِنَ الْعَمَلِ؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۲۴۱): هر که به معاش اندک خدا راضی گردد خدا هم به عمل اندک او راضی شود». همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند:

«الْقَنَاعَةُ مَلَكٌ لَا يَزُولُ، وَهِيَ مَرْكَبُ رَضَى اللَّهُ تَعَالَى تَحْمِلُ صَاحِبَهَا إِلَى دَارِهِ. فَاحْسِنِ التَّوَكُّلَ فِيمَا لَمْ تَعْطَ، وَالرِّضَا بِمَا أُعْطِيَ، وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ (منسوب به جعفر بن محمد(امام صادق (علیه‌السلام))، ۱۴۰۰ق: ۲۰۳): قناعت ملکی است که زوال نیابد و آن، مرکب رضای خدای تعالی است که صاحب خویش را به بهشت می‌رساند.

پس در آنچه به تو نداده اند، توکل نیکو پیشه کن و به آنچه تو را داده اند، راضی باش و بر مشکلاتی که بر تو فرود می آید، صبر پیشه کن که صبر از امور بس ستوده است.»

لذا «همه این تعابیر بیانگر آن است که فرد قانع، از تمامی نعمات الهی اعم از، همسر خود، امکاناتی که در اختیار دارد، و از همه مهم‌تر از خدای خود راضی است. و بر اساس این رضایت، ضمن آنکه از باطنی آرام برخوردار است، اعضا و جوارح خود را نیز برای دسترسی به آنچه ندارد، به زحمت نمی‌اندازد.» (حسین‌زاده، پیشین: ۱۲۰)

بخش پنجم: الگوپذیری قناعت خانواده و مدیران

تجمل‌پرستی، اسراف، رفاه‌زدگی، و گرایش افراطی به ظواهر دنیوی و غفلت از آراستگی‌های درونی و معنوی، همگی از جمله مواردی بوده که در اسلام از آنها نهی شده است. درحقیقت باید گفت مصرف صحیح، قناعت‌ورزی و نیز شاخص‌های سبک زندگی اسلامی زمانی می‌تواند در جامعه اجرایی شود که اعضای خانواده، مدیران و عالمان دین بکوشند که زندگی خود را هم‌سطح با دیگران قرار داده و از لوکس‌گرایی و تجمل‌پرستی پرهیز کنند. در این مورد به رهنمودهایی از امام علی (علیه‌السلام) اشاره می‌شود: «فَلْيَسْتِ تَصْلِحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷): حال رعیت نیکو نگردد جز آنگاه که والیان درست رفتار باشند»، «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهَ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۴۶): شباهت مردم به زمام‌دارانشان بیشتر از شباهت آنان به پدرانشان است»، جمله معروف «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲: ۸): مردم بر روش و آئین حاکمان خود هستند»، نیز نشان‌دهنده همین روحیه پیروی مردم از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری رهبران آنان می‌باشد. در این مورد مولای متقیان علی (علیه‌السلام) را می‌توان بهترین الگو معرفی نمود:

«أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ اِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ اَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ؛ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵): برای هر پیروی امامی است که به او اقتدا می‌کند و با نور علم او روشن می‌شود. پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و از خوردنیش به دو قرص نان بسنده کرده است. شما بر آن توانا نیستید؛ ولی مرا به پارسایی و کوشش و پاکدامنی و درستی یاری کنید.»

بخش ششم: اثر روانی بازدارندگی قناعت

آنچه موجب آسایش و راحتی جسم و روح انسانی است، قناعت و بی‌توجهی به امور مادی دنیا است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«لَا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرَّضَى بِالْقُوتِ. وَمَنْ افْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ. وَالرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ، وَمَطِيئَةُ التَّعَبِ؛ (نهج البلاغه، حکمت (۳۷): هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقرزدایی از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست. و کسی که به اندازه کفایت از دنیا بهره‌مند باشد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد، درحالی‌که دنیاپرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است.»

قناعت موجب تقویت احساس آرامش و وجدان‌گرایی و نیز کاهش خطر ابتلا به افسردگی می‌شود که این امر به نوبه خود نقش به‌سزایی در ممانعت از ارتکاب جرایم با منشأ روانی دارد. «کار نیک که از انگیزه الهی سر چشمه گرفته به روح آدمی لطافتی می‌بخشد که آثار گناه را می‌تواند از آن بشوید و آن تیرگیها را به روشنایی مبدل سازد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۶۷) از طرفی این فضیلت در شادابی و آسایش خاطر شخص قانع مؤثر است. که مؤید آن حدیث امام صادق (علیه‌السلام) است که می‌فرماید: «وَمَنْ قَنَعَ بِالْمَقْسُومِ اسْتَرَحَ مِنْ الْهَمِّ وَالْكَرْبِ وَالتَّعَبِ؛ (منسوب به جعفر بن محمد (امام ششم (علیه‌السلام))، ۱۴۰۰ق: ۲۰۲): پس کسی که به تقدیر و قسمت خود قانع باشد از غم و خستگی درمان خواهد بود.»

برخلاف انسان قانع، «حریص دارای یک خلأ است که به احساس امنیت درونی او برمی‌گردد از این رو، با داشتن بیشتر، می‌خواهد این احساس کمبود را از بین ببرد و جبران کند، و حال آنکه احساس امنیت یک احساس درونی است و با عوامل بیرونی برطرف و جبران نخواهد شد. بنابراین، روان‌آزردگی و تکبر و حرص، با اضطراب، خشم، خصومت، باورهای غیرمنطقی، کاهش کنترل تکانه و کاهش میزان سازش با دیگران همراه است». (ساطوریان، پیشین: ۶۹) اولین ثمره قناعت، آسایش و راحتی است. از این رو، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «الْقَنَاعَةُ رَاحَةٌ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۱۸۳): قناعت، راحتی است». امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز راحتی را ثمره

قناعت به‌شمار آورده و فرموده‌اند: «ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةُ؛ (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰: ۷۶۴): راحتی و آرامش، نتیجه قناعت است».

بخش هفتم: قناعت و آثار آن بر کاهش جرایم اقتصادی

تجمل‌پرستی، اسراف، رفاه‌زدگی، و گرایش افراطی به ظواهر دنیوی و غفلت از آراستگی‌های درونی و معنوی، همگی از جمله مواردی بوده که در اسلام از آنها نهی شده است. درحقیقت باید گفت مصرف صحیح، قناعت‌ورزی و نیز شاخص‌های سبک زندگی اسلامی زمانی می‌تواند در جامعه اجرایی شود که اعضای خانواده، مدیران و عالمان دین بکوشند که زندگی خود را هم‌سطح با دیگران قرار داده و از لوکس‌گرایی و تجمل‌پرستی پرهیز کنند. در این مورد امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «فَلَيْسَتْ تَصْلِحُ الرَّعِيَّةَ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷): حال رعیت نیکو نگردد جز آنگاه که والیان درست رفتار باشند»، «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۴۶): شباهت مردم به زمام‌دارانشان بیشتر از شباهت آنان به پدرانشان است»، جمله معروف «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲: ۸): مردم بر روش و آئین حاکمان خود هستند»، نیز نشان‌دهنده همین روحیه پیروی مردم از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری رهبران آنان می‌باشد. آن‌چه موجب آسایش و راحتی جسم و روح انسانی است، قناعت و بی‌توجهی به امور مادی دنیا است. چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لَا كَنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ، وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَى بِالْقُوَّةِ. وَ مَنْ افْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَ تَبَوَّأَ حَفْصَ الدَّعَةِ. وَ الرَّغْبَةُ مِفْتَاحُ النَّصَبِ، وَ مَطِيئَةُ التَّعَبِ؛ (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱): هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت، و هیچ مالی در فقرزدایی از بین برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست. و کسی که به اندازه کفایت از دنیا بهره‌مند باشد به آسایش دست یابد، و آسوده خاطر گردد، درحالی‌که دنیاپرستی کلید دشواری، و مرکب رنج و گرفتاری است». اولین ثمره قناعت، آسایش و راحتی است. از این‌رو، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، قناعت را عین راحتی دانسته و فرموده‌اند: «القِنَاعَةُ رَاحَةٌ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۱۸۳): قناعت، راحتی است». امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز راحتی را ثمره قناعت به‌شمار آورده و فرموده‌اند: «ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الرَّاحَةُ؛ (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰: ۷۶۴): راحتی و آرامش، نتیجه قناعت است».

قناعت موجب تقویت احساس آرامش و وجدان‌گرایی و نیز کاهش خطر ابتلا به افسردگی می‌شود که این امر به نوبه خود نقش به‌سزایی در ممانعت از ارتکاب جرایم با منشأ روانی دارد. «کار نیک که از انگیزه الهی سر چشمه گرفته به روح آدمی لطافتی می‌بخشد که آثار گناه را می‌تواند از آن بشوید و آن تیرگیها را به روشنایی مبدل سازد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۶۷). از طرفی این فضیلت در شادابی و آسایش خاطر شخص قانع مؤثر است. که مؤید آن حدیث امام صادق (علیه السلام) است که می‌فرمایند: «وَمَنْ قَنَعَ بِالْمَقْسُومِ اسْتَرَحَ مِنْ الْهَمِّ وَالْكَرْبِ وَالْتَعَبِ؛ (منسوب به جعفر بن محمد) امام ششم (علیه السلام)، ۱۴۰۰ ق: ۲۰۲). پس کسی که به تقدیر و قسمت خود قانع باشد از غم و خستگی درامان خواهد بود».

برخلاف انسان قانع، «حریص دارای یک خلأ است که به احساس امنیت درونی او برمیگردد از این رو، با داشتن بیشتر، می‌خواهد این احساس کمبود را از بین ببرد و جبران کند، و حال آنکه احساس امنیت یک احساس درونی است و با عوامل بیرونی برطرف و جبران نخواهد شد. بنابراین، روان‌آزردگی و تکبر و حرص، با اضطراب، خشم، خصومت، باورهای غیرمنطقی، کاهش کنترل تکانه و کاهش میزان سازش با دیگران همراه است» (ساطوریان، پیشین: ۶۹).

خلاصه آن‌که بررسی‌های به‌عمل آمده نشان داد، قناعت می‌تواند آثار و نتایج مطلوبی چون پیدایش رفاه اقتصادی، (همان، ص ۴۴۴) سلامت جسم و جان، (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۲۹۱) هدایت‌یابی، (غافر، ۲۸؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ ق، ص ۶۸) جلب نظر الهی، (تمیمی‌امدی، پیشین، ص ۲۹۱) و آبادانی آخرت (انبیاء، ۹) را در پی داشته‌باشد.

از طرف دیگر علی‌رغم اقدامات پیشگیرانه کیفی و وضعی توسط دستگاه‌های اجرایی، قضایی و پلیسی نه تنها بازدارندگی لازم را در کاهش وقوع جرایم اقتصادی نداشته بلکه همچنان شاهد بروز و گسترش این نوع جرایم و مفاسد هستیم و زیاده‌خواهی‌های نفسانی، حرص و فقدان قناعت، علت‌العلل وقوع جرایم اقتصادی نظیر احتکار، اختلاس، کلاه‌برداری، رشوه و... است که قناعت به‌عنوان راهکار دینی و خودکنترلی، تنها راهکار مقابله با آن است. فقدان قناعت علاوه بر آنکه موجب دنیازدگی و تنوع‌طلبی‌های افراطی است، دارای پیامدهایی مخرب چون: غفلت از خداوند، بی‌پروایی در ارتکاب گناه، شقاوت و گرفتاری‌های دنیوی و اخروی، نابودی خرد، نفاق، ذلت و خواری بوده که همگی میل به خودخواهی و

افزون‌طلبی را در انسان ایجاد و تقویت نموده و نهایتاً به ارتکاب جرم و بزه از جمله جرایم و مفسد مالی و اقتصادی، منتج می‌شود.

به‌علاوه قناعت از طریق افزایش پس‌انداز منابع کافی را برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری از یکسو و تأمین منابع قرض الحسنه برای تأمین نیازهای مصرفی اقشار ضعیف را فراهم می‌کند و می‌تواند نقشی موثر در کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و افزایش رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری ایفا نماید.

فرد حریص و هرکس به آنچه خداوند برای او مقدر کرده است راضی نباشد چشم‌طمع به مال دیگران خواهد داشت از این رو مرتکب جرایم مالی و اقتصادی از جمله اختلاس، سرقت، ربا و... می‌شود. لذا برخلاف بیشتر جرایم خرد که اغلب به علت عدم وجود اشتغال و فقدان درآمد کافی ارتکاب می‌یابد، اکثر مجرمان اقتصادی به واسطه قانع نبودن و زیاده‌خواهی‌های نفسانی مرتکب جرم می‌شوند، لذا قناعت نقش بسیار مهم و بی‌بدیلی در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد.

نتیجه‌گیری

- در زمانه‌ای که رفتارهای اقتصادی اغلب بر اساس منطق سرمایه‌داری است، پرداختن به ظرفیت مفاهیمی چون قناعت، می‌تواند روزه‌ای باشد جهت فراهم نمودن بستری جهت تحقق رفتارهایی خارج از این منطق.

- علی‌رغم اقدامات پیشگیرانه کیفری و وضعی توسط دستگاه‌های اجرایی، قضایی و پلیسی نه تنها بازدارندگی لازم را در کاهش وقوع جرایم اقتصادی نداشته بلکه همچنان شاهد بروز و گسترش این نوع جرایم و مفسد هستیم.

- زیاده‌خواهی‌های نفسانی، حرص و فقدان قناعت، علت‌العلل وقوع جرایم اقتصادی نظیر احتکار، اختلاس، کلاهبرداری، رشوه و... است که قناعت به‌عنوان راهکار دینی و خودکنترلی، تنها راهکار مقابله با آن است.

- فقدان قناعت که به حرص منتج می‌شود، دنیازدگی و تنوع‌طلبی‌های افراطی، دارای پیامدهایی مخرب چون: غفلت از خداوند، بی‌پروایی در ارتکاب گناه، شقاوت و گرفتاری‌های دنیوی و اخروی، نابودی خرد، نفاق، ذلت و خواری بوده که همگی میل به خودخواهی و

افزون طلبی را در انسان ایجاد و تقویت نموده و نهایتاً به ارتکاب جرم و بزه از جمله جرایم و مفسد مالی و اقتصادی، منتج می‌شود.

- قناعت از طریق افزایش پس انداز منابع کافی را برای تامین مالی سرمایه گذاری از یکسو و تامین منابع قرض الحسنه برای تامین نیازهای مصرفی اقشار ضعیف را فراهم می‌کند و می‌تواند نقشی موثر در کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و افزایش رشد اقتصادی و کاهش نرخ بی‌کاری ایفا نماید.

- هرکس به آنچه خداوند برای او مقدر کرده است راضی نباشد چشم طمع به مال دیگران خواهد داشت از این رو مرتکب جرایم مالی و اقتصادی از جمله اختلاس، سرقت، ربا و... می‌شود.

- قناعت در بعد فردی دارای آثار فراوان مادی و معنوی بوده که از آن جمله می‌توان به جلب نظر الهی، آبادانی آخرت، سلامت جسم و جان و هدایت‌یابی اشاره نمود. و در بعد اجتماعی نیز سلامت و امنیت اقتصادی را در پی خواهد داشت.

- مواردی چون خانواده، فرد، شناخت و اعتقادات از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد و تقویت قناعت در زندگی هستند که لازم است متولیان فرهنگی و اصحاب رسانه بر روی این عوامل و ترویج آنها تمرکز بیشتری نمایند.

- برخلاف بیشتر جرایم خرد که اغلب به علت عدم وجود اشتغال و فقدان درآمد کافی ارتکاب می‌یابد، اکثر مجرمان اقتصادی به واسطه قانع نبودن و زیاده‌خواهی‌های نفسانی مرتکب جرم می‌شوند.

پیشنهادات

- نظر به تأثیر عمیق شاخص‌های دینی و تقویت بنیه‌های اخلاقی و اعتقادی به‌عنوان مصادیق مؤثر پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفسد اقتصادی، نقش مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و نیز دستگاه‌های فرهنگی و مراکز برنامه ریزی کشور و رسانه‌ها اعم از صدا و سیما، وزارت خانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و... در این راستا نقشی تعیین کننده دارند.

- مطابق فرمایش مولایمان علی بن ابی طالب (علیه‌السلام): «فَلْيَسْتِ تَصْلِحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَحِ الْوَلَاةِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷): حال رعیت، نیکو نگردد جز آن‌گاه که والیان درست رفتار

باشند»، ضرورت دارد به منظور اجرایی شدن مصرف صحیح، قناعت‌ورزی و نیز پیاده نمودن شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در جامعه، خانواده، مدیران، و عالمان دین بکوشند که زندگی خود را هم‌سطح با دیگران قرار داده و از لوکس‌گرایی و تجمل‌گرایی، پرهیز نمایند.

- برخورد قاطع با متخلفین مفسد اقتصادی از سوی دستگاه قضا مطابق سیره و روش حکومت‌داری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و برخورد قاطع آن حضرت در مقابله با متخلفان و مفسدین اقتصادی، خود عاملی مهم جهت پیشگیری از وقوع و اشاعه‌ی این نوع جرایم است.

- انتصاب افراد شایسته و نیز نظارت بر حقوق و داری‌های مقامات خاص و ارشد کشور مطابق با اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲، از دیگر راهکارهای پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی از جمله ارتشا است.



۱. در جریان مأموریت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) جهت جمع‌آوری مالیات مسیحیان نجران، در پی نارضایتی و شکوه گروهی از یاران آن حضرت در خصوص جدیت مولای متقیان (علیه‌السلام) در رعایت حدود و مسائل احکام الهی، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در وصف ایشان خطاب به معترضان فرمودند: «إِرْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ خَيْرٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ غَيْرٌ مُدَاهِنٌ فِي دِينِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱: ۳۸۵). زیان‌های آن را از ملامت کردن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) نگاه دارید، چراکه او در اجرای حکم خداوند عزّ و جل بی پروا و سخت‌گیر است و اهل سازش و ملامت در دین خدا نیست.
۲. «داری رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد».

منابع و مأخذ

قرآن کریم و نهج البلاغه

۱. امرائی، ایوب، عالیخانی، غلامرضا، نادمی، یونس. (۱۳۹۶). «رہیافتی بر تبیین قناعت و نقش آن در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن کریم و روایت‌ها»، دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، سال دوم، شماره ۴، ص ۸۴-۵۹.
۲. انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه)، قم، دارالعرفان.
۳. باقرزاده، احد. (۱۳۸۳). جرایم اقتصادی و پول شویی، تهران، مجد.
۴. بیابانی، غلامحسین. (۱۳۹۱). «جرایم اقتصادی؛ جرمی آمیخته با فساد»، فصلنامه کارآگاه، سال پنجم، ش ۲۰.
۵. پژویان، جمشید، مداح، مجید. (۱۳۸۵). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۰.
۶. توسلی، محمدحسن، صادقی، محمدامین. (۱۳۹۴). «آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۳۲.
۷. توسلی زاده، توران. (۱۳۹۲). پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران، جنگل.
۸. ساریخانی، عادل، سلطانی بهلولی، مریم. (۱۳۹۵). «نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴.
۹. ساطوریان، سیدعباس. (۱۳۹۵). «نقش صفات اخلاقی کبر، حرص و حسادت در پیش‌بینی روان‌آزردگی»، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۳۴.
۱۰. ساکی، محمدرضا. (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی، اصفهان، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۱۱. جلیلیان، مهدی، عطازاده، سعید. (۱۳۹۴). «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره اول.
۱۲. حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۴). «جرایم سازمان یافته، مفهوم، مدل‌ها و تأثیرات آن بر ثبات سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره سوم.
۱۳. حسنی، محمد مهدی. (۱۳۹۵). «بازتاب بزه رشوه در فرهنگ مردم (فولکلور)»، شماره ۱۵، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری.

۱۴. حسینی، سید حسین، ملازمیان، مسعود. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی پیشگیری وضعی از جرم ارتشا در حقوق ایران و کنوانسیون مریدا، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، ص ۸۳-۶۵.
۱۵. خدائیان چگنی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره چهارم، شماره ۲.
۱۶. خسروشاهی، قدرت‌الله، جوادی حسین آبادی، حسین. (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه مؤلفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال پنجم، شماره هفدهم.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. زمانی، علی‌اکبر، بایاری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). «نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره چهارم.
۱۹. زمانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). «تأثیر جرایم کلان اقتصادی بر امنیت عمومی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۴، ش ۳.
۲۰. شمس‌ناتری، محمد ابراهیم، توسلی‌زاده، توران. (۱۳۹۰). «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
۲۱. شهابی، محمود. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی تأثیر بازدارنده‌های دینی و غیردینی بر وقوع جرایم اقتصادی: مقایسه زندانیان زندان اوین و هم‌تایان غیر مجرم آنان»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۴.
۲۲. عطایی، محمدآصف. (۱۳۸۵). «رشوه خواری و پیامدهای آن»، مبلغان، شماره ۷۹.
۲۳. قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۴۱۲ق). «قاموس قرآن»، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۲۴. کلانتری، ابراهیم، جنتی، لیلا. (۱۳۹۱). «همبستگی قناعت و آرامش روان از منظر امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال پنجم، شماره هفدهم.
۲۵. کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، اسلام و الگوی مصرف، چاپ پنجم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۲۶. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۵). «عناصر تشکیل دهنده جرایم مالی و وجوه افتراق و اشتراک آنها در ارتباط با وظایف دادر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.
۲۷. محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «قناعت و سلامت روان»، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۲۸. معصومی‌نیا، علی، یارمحمدیان، ناصر. (۱۳۹۳). «تجزیه و تحلیل مفاهیم اخلاقی اسلامی ناسازگار با چارچوب اقتصاد متعارف و کارکردهای اقتصادی آنها»، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰.
۲۹. مقیمی نیکی، آویشن. (۱۳۹۱). «جرایم موسسات پولی و اعتباری غیر بانکی در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم.

